بسم الله الرحمن الرحیم

لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

الحمد لله رب العالمین، و الصلاة و السلام علی سید المرسلین، حبیب إله العالمین، ابی‌القاسم المصطفی محمد و علی آله الطیبین الطاهرین المنتجبین الهداه المهدیین، سیما بقیة الله فی الأرضین، و لعنة الله علی أعدائهم أعداء الله أجمعین.

چگونه از عمرمان بهترین استفاده را داشته باشیم؟

امسال نکته‌ای توجه مرا به خود جلب کرد که موضوع سخنرانی امشب من نیز بر اساس همان نکته شکل گرفته است. بنابراین، ابتدا آن نکته را خدمت شما عرض می‌کنم و سپس به موضوع سخنرانی خواهم پرداخت.

نکته این است که صدیقه طاهره (سلام‌الله‌علیها) عمر کوتاهی داشتند. البته ما از بخش زیادی از زندگی ایشان در مکه اطلاع چندانی نداریم و اطلاعات بیشتر ما مربوط به همان ده سالی است که در مدینه حضور داشتند و نه سالی که با امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) زندگی کردند.

نکته قابل تأمل اینجاست که چگونه در طول عمر کوتاهی، این‌همه آثار و برکات در عرصه‌های مختلف از وجود مبارک ایشان پدید آمده است؟ از فرزندآوری و تربیت فرزند گرفته تا همسرداری، تعلیم و تربیت، دعا، عبادت، فعالیت‌های سیاسی و ایراد خطبه؛ در همه این عرصه‌ها، آثار و برکات فراوانی از زندگی حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) به‌جا مانده است. ایشان پنج فرزند داشتند که یکی از آنان به شهادت رسید و دیگر فرزندانشان نیز منشأ آثار و برکات فراوانی شدند.

وقتی انسان مجموعه فعالیت‌ها و اقدامات حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) را در طول آن نه سالی که در مدینه با امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) زندگی کردند بررسی می‌کند، درمی‌یابد که گاهی حتی در طول یک عمر هشتادساله نیز چنین حجم و گستره‌ای از آثار و برکات حاصل نمی‌شود. بانویی جوان در طول عمر کوتاه خود، در هر عرصه‌ای که به زندگی ایشان توجه می‌کنیم، موفقیت‌ها و آثار ارزشمندی از خود به‌جا گذاشته‌اند؛ چه در عرصه سیاست، چه در حوزه عبادت، چه در زمینه مدیریت اقتصادی، چه در خانواده، چه در خطابه و چه در دعا.

رهبر عظیم‌الشأن انقلاب نیز در مقطعی به این موضوع اشاره کرده‌اند که حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) با وجود عمر کوتاه، منشأ خیر کثیر و آثار فراوانی بوده‌اند.

برادران عزیز و خواهران گرامی! این نکته مرا به موضوعی رساند که امشب قصد دارم آن را با شما در میان بگذارم. این موضوع بسیار مهم است و در عرصه‌های گوناگون، از جمله سیاست و اقتصاد، و همچنین در زندگی جوانان، نظامیان و مسئولان، اهمیت دارد. موضوع سخنرانی امشب من، برخلاف مباحثی که در سال‌های گذشته مطرح کرده‌ام، به مدیریت زمان در سیره حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) اختصاص دارد.

البته، این بحث در حد یک سخنرانی قابل طرح کامل نیست و به یک کارگاه چندساعته نیاز دارد؛ بااین‌حال، تلاش می‌کنم در همین فرصت محدود، نکاتی را در این زمینه خدمت شما عرض کنم.

مدیریت زمان یعنی بهره‌گیری حداکثری از زمان؛ یعنی زمان را به خدمت گرفتن، نه اینکه انسان در خدمت زمان قرار بگیرد. بسیاری از ما در خدمت زمان هستیم؛ تقویم‌ها را عوض می‌کنیم، سال‌ها را

می‌شماریم و می‌بینیم که عمرمان افزایش پیدا کرده است. اما مدیریت زمان یعنی انسان بر زمان سوار باشد، نه اینکه زمان بر او سوار شود. مدیریت زمان یعنی از زمان بهره بگیریم، نه اینکه زمان از ما فرصت‌هایمان را بگیرد. مدیریت زمان به این معنا نیست که انسان حتماً عمر طولانی‌تری داشته باشد؛ بلکه به این معناست که در طول عمر خود، از فرصت‌ها به بهترین شکل استفاده کند. ممکن است عمر کسی نه سال یا ده سال باشد، اما آثار و برکات فراوانی از خود به‌جا بگذارد. برای نمونه، برخی از علمای ما در طول عمرشان صدها جلد کتاب تألیف کرده‌اند و آثار علمی فراوانی از خود بر جای گذاشته‌اند. این‌ها نمونه‌هایی از مدیریت زمان است. مدیریت زمان را می‌توان در یک کلمه چنین تعریف کرد: بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌ها.

امروز در جامعه با مشکلاتی مانند اتلاف زمان، فرصت‌سوزی و از دست دادن فرصت‌ها مواجه هستیم. اجازه بدهید در ادامه، این موضوع را توضیح دهم. پیش از آن، چند آیه و روایت را در این زمینه بیان می‌کنم.

زمان در قرآن کریم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. خداوند متعال در آیات متعددی به زمان سوگند یاد کرده است: «وَالْفَجْرِ»؛ «وَلَيَالٍ عَشْرٍ»؛ «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى» و «وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى». با تأمل در این آیات درمی‌یابیم که زمان، شب، روز، سپیده‌دم و دیگر جلوه‌های آن، در قرآن کریم مورد توجه ویژه قرار گرفته‌اند و خداوند به آن‌ها سوگند یاد کرده است.

قرآن کریم در آیات ۷۱ و ۷۲ سوره قصص، تذکری زیبا و قابل تأمل درباره زمان بیان می‌کند. خداوند می‌فرماید: اگر شب یا روز تا قیامت ادامه می‌یافت و یکی جایگزین دیگری نمی‌شد، چه می‌کردید؟ تصور کنید که از این پس تا قیامت، همه روزها بدون شب ادامه پیدا می‌کردند یا همه شب‌ها بدون روز باقی می‌ماندند. البته در برخی مناطق جهان، شرایطی وجود دارد که شب یا روز برای چندین ماه ادامه می‌یابد؛ اما تصور کنید که این وضعیت تا قیامت برقرار بود و هیچ تغییری در آن رخ نمی‌داد.

خداوند در این آیات می‌فرماید:

«قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ...» و در ادامه می‌فرماید: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ...».

واژه «سرمد» به معنای همیشگی و پیوسته است و در قرآن کریم دو بار به کار رفته است. خداوند با طرح این پرسش‌ها، انسان را متوجه اهمیت نعمت شب و روز می‌کند تا قدر این نعمت الهی را بداند. اگر همیشه روز بود، از آرامش و آسایش شب محروم می‌شدیم و اگر همیشه شب بود، از روشنایی روز و فرصت‌هایی که در پرتو نور روز فراهم می‌شود، بهره‌ای نداشتیم. این آیات نشان می‌دهند که شب و روز و گردش زمان، از نعمت‌های ارزشمند الهی‌اند و انسان باید قدر آن‌ها را بداند.

این مقدمات را بیان می‌کنم تا به بحث مدیریت زمان در زندگی حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) برسم؛ اما پیش از آن، لازم است چند نکته دیگر را نیز مطرح کنم.

در روایتی آمده است:

«إِنّ اللّيْلَ وَالنّهَارَ يَعْمَلَانِ فِيكَ، فَخُذْ مِنْهُمَا».

مضمون این روایت آن است که شب و روز بر انسان اثر می‌گذارند و از عمر او می‌کاهند؛ بنابراین، همان‌گونه که زمان از انسان می‌گیرد، انسان نیز باید از زمان بهره بگیرد و فرصت‌های آن را غنیمت بشمارد. برای مثال، هنگامی که سال‌های عمر ما از چهارصد و دو به چهارصد و سه و سپس به چهارصد و چهار می‌رسد، زمان در حال گذر است و از عمر ما کاسته می‌شود. در مقابل، ما نیز باید از این گذر زمان بهره‌ای ببریم و اجازه ندهیم فرصت‌های زندگی بدون استفاده از دست بروند.

در روایت دیگری، چنین آمده است:

«كُنْ عَلَى عُمْرِكَ أَشَحّ مِنْكَ عَلَى دِرْهَمِكَ وَدِينَارِكَ».

مضمون این روایت آن است که باید نسبت به عمر خود، بیش از آنچه نسبت به درهم و دینار و دارایی‌مان حساسیت داریم، حساس باشیم. شما می‌بینید که مردم برای جمع‌آوری پول و افزایش ثروت خود اهمیت فراوانی قائل‌اند؛ اما در این روایت تأکید شده است که باید برای عمر و زمان خود، به‌مراتب بیش از پول و دارایی ارزش قائل شویم. پولی که از دست می‌رود، ممکن است دوباره به دست آید؛ اما زمانی که سپری شده است، بازنمی‌گردد. ازاین‌رو، انسان باید در حفظ عمر خود، حساسیت و دقت بیشتری داشته باشد.

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیز یکی از ویژگی‌های مؤمن را چنین بیان کرده‌اند که مؤمن به وقت خود توجه دارد و اوقاتش در مسیر درست سپری می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که بهره‌گیری صحیح از زمان، در منظومه تعالیم دینی جایگاه مهمی دارد.

برای نمونه، به دعای کمیل توجه کنید. گاهی این دعا را می‌خوانیم، اما به‌آسانی از کنار برخی فرازهای آن عبور می‌کنیم و در مفاهیم عمیق آن تأمل نمی‌کنیم. در بخشی از این دعا می‌خوانیم:

«وَأَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً، وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً».

در این فراز، از خداوند درخواست می‌کنیم که اوقات شب و روز ما را با یاد خود آباد سازد و پیوسته در مسیر خدمت به خویش قرار دهد. این فراز از دعای کمیل، توجه ما را به اهمیت مدیریت زمان و بهره‌گیری درست از ساعات شبانه‌روز جلب می‌کند. در واقع، از خداوند می‌خواهیم که به ما توفیق دهد زمان زندگی‌مان در مسیر یاد او و خدمت به او سپری شود.

سرمایه‌ها و فرصت‌ها در مقابل دستاوردها

برادران عزیز و خواهران گرامی! مدیریت زمان، امروزه موضوعی است که به آموزش و برنامه‌ریزی نیاز دارد و باید در رسانه‌ها نیز به آن پرداخته شود. چرا ما با وجود این‌همه سرمایه، جوان و فرصت، آن‌چنان که باید، دستاورد نداریم؟

برای مثال، در حوزه کشاورزی تلاش می‌شود روش‌هایی به کار گرفته شود که میزان برداشت افزایش یابد و محصول بیشتری به دست آید. در حوزه علم نیز روش‌هایی دنبال می‌شود که به تدوین کتاب‌ها، تولید آثار

علمی و گسترش رشته‌های علمی بیشتر و پربارتر بینجامد. پرسش این است که چرا در زمینه استفاده از زمان، چنین رویکردی نداشته باشیم و برای بهره‌گیری بیشتر و بهتر از فرصت‌ها تلاش نکنیم؟

مدیریت زمان یعنی بهره‌گیری مؤثر، صحیح و حداکثری از زمان. در همین زمینه، نقل شده است که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) هر روز صبح، هنگامی که از خواب برمی‌خاستند، این دعا را می‌خواندند:

«اللّهُمّ إِنّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذَا الْيَوْمِ، وَنُورَهُ، وَهُدَاهُ، وَبَرَكَتَهُ، وَطَهُورَهُ».

مضمون این دعا آن است که پیامبر خدا از پروردگار درخواست می‌کردند که خیر، نور، هدایت، برکت و پاکی این روز را نصیب ایشان سازد. این دعا نیز بیانگر اهمیت روز و فرصت‌هایی است که خداوند در اختیار انسان قرار می‌دهد و ضرورت بهره‌گیری شایسته از آن‌ها را یادآور می‌شود.

شما می‌دانید که یکی از حسرت‌های بزرگ انسان در قیامت، حسرت فرصت‌هایی است که از دست داده است. از نام‌های قیامت، «یوم‌الحسرة» است؛ روزی که انسان از آنچه از دست داده و از فرصت‌هایی که نتوانسته است به‌درستی از آن‌ها استفاده کند، حسرت می‌خورد.

منظورم فقط ارتکاب گناه نیست؛ سخن از فرصت‌هایی نیز هست که بدون بهره‌گیری مناسب سپری شده‌اند. انسان در آن روز درمی‌یابد که گاهی فرصت‌های ارزشمندی در اختیار داشته، اما آن‌ها را بی‌ثمر از دست داده است. گویی خزانه‌های عمرش گشوده می‌شوند، اما چیزی در آن‌ها وجود ندارد؛ نه دستاوردی متناسب با فرصت‌های در اختیارش و نه بهره‌ای شایسته از سرمایه عمرش.

در چنین شرایطی، انسان با حسرت می‌گوید:

«يَا حَسْرَتَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللّهِ».

این عبارت، بیانگر حسرت انسان بر کوتاهی‌ها و فرصت‌هایی است که در مسیر بندگی خداوند از دست داده است. بنابراین، باید مراقب باشیم که فرصت‌های زندگی را نسوزانیم و زمان‌هایی را که می‌توانند منشأ خیر و برکت باشند، بدون بهره‌گیری شایسته سپری نکنیم.

برادران عزیز و خواهران گرامی! اجازه بدهید در این محضر شریف، به‌ویژه خطاب به شما جوانان عزیز، نکته دیگری را مطرح کنم و پس از آن به بحث مدیریت زمان در سیره حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) بازگردم.

سارقین زمان

بنده چهل عامل را یادداشت کرده‌ام که به مدیریت زمان لطمه می‌زنند. نام این عوامل را «سارقان زمان»، «دزدان وقت» و «هدردهندگان فرصت» گذاشته‌ام. البته فرصت نمی‌کنم هر چهل مورد را در این جلسه بیان کنم؛ اما به چند مورد از آن‌ها اشاره خواهم کرد.

در این زمینه، این بیت شعر را به یاد داشته باشید:

«آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید».

می‌خواهیم بررسی کنیم که چگونه زمان از دست ما می‌رود، چگونه بر ما مسلط می‌شود و چگونه فرصت‌ها را از ما می‌گیرد؛ درحالی‌که ما نمی‌توانیم بهره شایسته‌ای از آن ببریم. در چنین وضعیتی، به‌جای آنکه زمان را مدیریت کنیم، اسیر زمان می‌شویم؛ زمان ما را با خود می‌برد، اما ما نمی‌توانیم آن را در مسیر اهداف خود به‌درستی هدایت کنیم.

«عوامل هدر رفت زمان» :

عامل اول:

بی‌برنامگی و فقدان تدبیر صحیح در استفاده از فرصت‌ها.

یکی از عوامل مهمی که زمان را از انسان می‌گیرد، بی‌برنامگی است. هنگامی که برنامه‌ای وجود نداشته باشد، مدیریت زمان نیز با مشکل مواجه می‌شود و فرصت‌ها به‌درستی مورد استفاده قرار نمی‌گیرند.

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده‌اند:

«إِنِّي لَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْفَقْرَ، وَلَكِنْ أَخَافُ عَلَيْكُمْ سُوءَ التَّدْبِيرِ».

مضمون این روایت آن است که پیامبر خدا از فقر امت خود نگران نیستند، بلکه از سوءتدبیر و تدبیر نادرست درباره آن نگران‌اند. اگر بخواهم این مضمون را در شرایط امروز توضیح دهم، باید بگویم که مشکل فقط کمبود امکانات و منابع نیست؛ بلکه شیوه مدیریت و برنامه‌ریزی نیز اهمیت فراوانی دارد.

امروز در حوزه اقتصاد، بخشی از مشکلات ما به تحریم‌ها مربوط می‌شود و در این زمینه تردیدی وجود ندارد. بخشی از مشکلات نیز به مسائل مرتبط با دشمن بازمی‌گردد؛ اما آیا واقعاً همه مشکلات ما ناشی از همین عوامل است؟ آیا در کنار این مسائل، باید از سرمایه‌هایی که در کشور وجود دارد، قوانین مجلس، مقررات دولت، سازوکارهای اداری و فرصت‌هایی که به دلیل بی‌برنامگی هدر می‌روند، غافل شویم؟

ما در حوزه انرژی و زمینه‌های مختلف دیگر، با مسائلی روبه‌رو هستیم که بررسی آن‌ها، توجه به نحوه برنامه‌ریزی و مدیریت منابع را ضروری می‌سازد. بنابراین، نباید از نقش سوءتدبیر و بی‌برنامگی در هدررفتن سرمایه‌ها و فرصت‌ها غافل شویم.

این روایت بسیار مهم است؛ زیرا نشان می‌دهد که مسئله فقط برخورداری از امکانات و منابع نیست، بلکه چگونگی استفاده از آن‌ها نیز اهمیت دارد.

حال ممکن است این پرسش مطرح شود که آیا حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) زندگی ثروتمندانه‌ای داشتند که توانستند چنین آثار و برکاتی از خود بر جای بگذارند؟ در ادامه توضیح خواهم داد که زندگی ایشان چگونه بود و چگونه توانستند آن را با چنین دقت و تدبیری سامان دهند.

این، نخستین عاملی است که می‌تواند زمان را از ما بگیرد.

عامل دوم:

عامل دوم، بی‌نظمی است. هنگامی که نظم وجود نداشته باشد، فرصت‌ها از دست می‌روند و انسان نمی‌تواند از زمان خود به‌درستی استفاده کند.

یکی از عزیزانی که اکنون در این جلسه حضور دارند، چندین سال در جماران در خدمت امام خمینی (رحمةالله‌علیه) بوده‌اند. ایشان نقل می‌کردند که اگر خارج از جماران، مثلاً در تهران یا قم، کسی از من می‌پرسید که امام در این ساعت مشغول چه کاری هستند، می‌توانستم دقیقاً پاسخ بدهم و حتی حاضر بودم برای درستی این گفته جایزه تعیین کنم؛ زیرا می‌دانستم که ایشان در هر ساعت به چه کاری مشغول‌اند. برای مثال، می‌دانستم در ساعت مشخصی قرآن تلاوت می‌کنند، در ساعت دیگری استراحت می‌کنند و در زمان دیگری به رتق‌وفتق امور می‌پردازند.

این، نمونه‌ای از نظم در زندگی است؛ نظمی که موجب می‌شود انسان بتواند برای ساعات شبانه‌روز خود برنامه مشخصی داشته باشد و از فرصت‌هایش به‌درستی استفاده کند.

در مقطعی، از یکی از مراجع بزرگوار قم که آثار متعددی در زمینه تفسیر قرآن کریم، شرح نهج‌البلاغه و شرح صحیفه سجادیه داشتند، پرسیدم: «آقا! شما با این حجم از تألیفات، این حافظه قوی و این قلم توانمند، چگونه توانسته‌اید چنین آثاری از خود بر جای بگذارید؟»

ایشان در پاسخ فرمودند: «نظم؛ نظم!»

سپس توضیح دادند که در طول هفتاد سال، با رعایت نظم توانسته‌اند چنین فعالیت‌های علمی گسترده‌ای انجام دهند؛ نظمی که در آن، حتی یک دقیقه نیز بدون حساب‌وکتاب کم یا زیاد نمی‌شد.

این نمونه‌ها نشان می‌دهند که نظم تا چه اندازه در بهره‌گیری از زمان مؤثر است. انسان ممکن است از استعداد، حافظه و توانایی‌های فراوانی برخوردار باشد، اما اگر زندگی او از نظم برخوردار نباشد، نمی‌تواند به‌خوبی از ظرفیت‌ها و فرصت‌های خود استفاده کند.

در این زمینه، روایت مفصلی در کتاب «بحارالأنوار»، جلد شانزدهم، نقل شده است که بخشی از آن را برای شما بیان می‌کنم.

امام حسین (علیه‌السلام) از پدر بزرگوارشان، امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)، درباره سیره پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در محیط خانه پرسیدند. در این روایت، امام حسین (علیه‌السلام) چند پرسش درباره

رفتار و سیره پیامبر مطرح می‌کنند؛ زیرا امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) انس و همراهی فراوانی با پیامبر داشتند و شناخت ایشان از سیره و رفتار رسول خدا بسیار عمیق بود.

امام حسین (علیه‌السلام) از پدر بزرگوارشان پرسیدند که پیامبر خدا هنگامی که وارد خانه می‌شدند، چگونه اوقات خود را سپری می‌کردند؟

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در پاسخ فرمودند:

«فإذا أوى إلى مَنزِلِهِ جَزَّأَ دُخولَهُ ثلاثةَ أجزاءٍ : جُزءاً للّه ، و جُزءاً لأهلِهِ ، و جزءاً لنفسِهِ.»

یعنی هنگامی که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) وارد خانه می‌شدند، اوقات خود را به سه بخش تقسیم می‌کردند.

بخش نخست را به خداوند اختصاص می‌دادند؛ زمانی برای عبادت، نماز و تلاوت قرآن کریم. بخش دوم را به خود اختصاص می‌دادند؛ زیرا هر انسانی به زمانی برای رسیدگی به امور شخصی خود نیاز دارد. بخش سوم نیز به خانواده اختصاص داشت.

این شیوه زندگی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نشان می‌دهد که ایشان برای حضور در خانه و رسیدگی به امور خانواده نیز برنامه مشخصی داشتند. خانواده در این برنامه، جایگاه معینی داشت و زمان مربوط به آن، بخشی مستقل از برنامه روزانه پیامبر بود.

نکته قابل توجه در ادامه روایت این است که اگر برای پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مسئله‌ای پیش می‌آمد یا کسی برای طرح پرسش و بیان نیاز خود مراجعه می‌کرد، ایشان از زمان اختصاص‌یافته به خود برای رسیدگی به آن امور استفاده می‌کردند، نه از زمانی که به خانواده اختصاص داده بودند. به بیان دیگر، گاهی از وقت شخصی خود برای رسیدگی به امور دیگران می‌گذشتند، اما زمان اختصاص‌یافته به خانواده را حفظ می‌کردند.

به این سیره پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) توجه کنید. ایشان با وجود مسئولیت‌های فراوان، برای عبادت، امور شخصی و خانواده برنامه مشخصی داشتند و میان این بخش‌ها نظم برقرار می‌کردند. این

موضوع نشان می‌دهد که نظم در زندگی، تنها به فعالیت‌های اجتماعی و مسئولیت‌های بیرونی محدود نمی‌شود، بلکه در محیط خانه و در ارتباط با اعضای خانواده نیز اهمیت دارد.

در همین زمینه، امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در وصیت خود می‌فرمایند:

«أُوصِيكُمَا وَ جَمِيعَ وَلَدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ»

یعنی شما دو نفر، همه فرزندانم، خاندانم و هر کسی را که این وصیت‌نامه به او می‌رسد، به تقوای الهی و نظم در امور سفارش می‌کنم.

بنابراین، بی‌برنامگی و بی‌نظمی از جمله عواملی هستند که مدیریت زمان را مختل می‌کنند و موجب از دست رفتن فرصت‌ها می‌شوند. سیره پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و سفارش امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نشان می‌دهد که نظم در زندگی و برنامه‌ریزی برای امور مختلف، از جمله اصول مهمی است که انسان باید در مسیر بهره‌گیری صحیح از زمان به آن توجه داشته باشد.

عمل سوم:

عامل سوم، نداشتن اولویت‌بندی صحیح در زندگی است. بسیاری از ما نمی‌توانیم اولویت‌های زندگی خود را به‌درستی تشخیص دهیم و میان امور مهم و مهم‌تر تفاوت قائل شویم. در روایات نیز بر این موضوع تأکید شده است که اگر انسان امر مهم‌تر را رها کند و به امر کم‌اهمیت‌تر بپردازد، دچار زیان می‌شود. بنابراین، انسان باید بتواند میان امور مختلف، اولویت‌بندی صحیحی داشته باشد و تشخیص دهد که در هر موقعیت، پرداختن به کدام کار ضرورت بیشتری دارد.

برای مثال، یکی از موضوعاتی که امروز بسیاری از جوانان ما با آن مواجه‌اند، مسئله ازدواج و تحصیل است. تحصیل علم بسیار ارزشمند است، اما آیا همیشه لازم است که انسان ازدواج را به تأخیر بیندازد تا ابتدا تحصیلات خود را به پایان برساند؟ آیا نمی‌توان در کنار ازدواج، تحصیل را نیز ادامه داد؟ آیا ممکن نیست فردی به دلیل به‌تعویق‌انداختن ازدواج و فرزندآوری، به مرحله‌ای از زندگی برسد که فرصت‌ها و زمینه‌های مناسب برای ازدواج یا فرزندآوری را از دست بدهد؟

بنده قصد قضاوت درباره تصمیم‌های افراد را ندارم، بلکه می‌خواهم اهمیت مسئله اولویت‌بندی را بیان کنم. پرسش این است که میان ازدواج، فرزندآوری و تحصیل، چگونه باید اولویت‌ها را تشخیص داد؟ آیا می‌توان به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کرد که انتخاب یک مسیر، لزوماً به معنای قربانی‌شدن مسیر دیگر نباشد و انسان بتواند در پرتو انتخاب نخست، به امور دیگر نیز بپردازد؟

این مسئله تنها به زندگی فردی محدود نمی‌شود، بلکه در سطح اداره کشور نیز اهمیت دارد. مسئولانی که قانون‌گذاری می‌کنند و افرادی که برنامه‌های اجرایی و سیاست‌های کلان را تدوین می‌کنند، باید اولویت‌ها را به‌درستی تشخیص دهند و متناسب با اهمیت هر موضوع، برای آن برنامه‌ریزی کنند.

برای مثال، چرا مقام معظم رهبری طی بیش از ده سال، نام‌گذاری سال‌ها را با تأکید بر مسائل اقتصادی انجام داده‌اند؟ علت این تأکید آن است که اقتصاد و معیشت مردم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و باید در اولویت برنامه‌ریزی‌ها قرار گیرد. بااین‌حال، گاهی برخی تصور می‌کنند که وقتی رهبر انقلاب بر موضوعی تأکید می‌کنند، کافی است برای مدتی درباره آن سخنرانی کنند یا یک دوره همایش و برنامه برگزار شود. درحالی‌که مسئله اصلی، برنامه‌ریزی عملی و پیگیری مستمر برای تحقق آن هدف است.

پرسش اینجاست که چرا برخی از این موضوعات، با وجود طرح و تأکید بر آن‌ها، همچنان آن‌گونه که باید، به مرحله اجرا نرسیده‌اند؟ این مسائل صرفاً با برگزاری سمینار و همایش حل نمی‌شوند، بلکه به برنامه‌ریزی، تعیین اولویت‌ها، تقسیم مسئولیت‌ها و پیگیری عملی نیاز دارند. هنگامی که یک مسئله مهم به‌درستی در اولویت قرار نگیرد یا برای تحقق آن برنامه مشخصی وجود نداشته باشد، فرصت‌های ارزشمند از دست می‌روند.

برادران عزیز و خواهران گرامی! باید توجه داشته باشیم که سرقت و دزدی تنها به اموال و دارایی‌های مادی محدود نمی‌شود. ما گاهی از زمان خود نیز غافل می‌شویم و فرصت‌هایمان را از دست می‌دهیم؛ درحالی‌که حتی متوجه این خسارت نیستیم.

در روایات، درباره کسی که از نماز خود می‌کاهد یا حق آن را ادا نمی‌کند، تعابیر هشداردهنده‌ای آمده است. این موضوع نشان می‌دهد که کم‌گذاشتن از حق یک عمل عبادی نیز می‌تواند مصداقی از تضییع حق باشد. همچنین، در تعالیم دینی درباره کسانی که از پرداخت زکات خودداری می‌کنند، هشدارهای جدی مطرح شده است؛ با اینکه ممکن است آنان تصور کنند مال در اختیارشان متعلق به خودشان است، اما از پرداخت حقی که بر آن مال واجب شده است، خودداری می‌کنند.

بنابراین، نباید تصور کنیم که سرقت فقط زمانی اتفاق می‌افتد که کسی طلا، موتور یا خودروی ما را ببرد. هنگامی که طلا یا وسیله نقلیه ما به سرقت می‌رود، به‌درستی اعتراض می‌کنیم که مال ما را برده‌اند؛ اما آیا هنگامی که فرصت‌های ارزشمند عمرمان را از دست می‌دهیم، به همان اندازه احساس خسارت می‌کنیم؟ آیا وقتی خودمان زمانمان را هدر می‌دهیم، به این موضوع توجه داریم که چه سرمایه بزرگی را از دست داده‌ایم؟

ما گاهی با رفتارهای روزمره خود، زمانمان را از بین می‌بریم، اما نه‌تنها از این بابت احساس نگرانی نمی‌کنیم، بلکه حتی متوجه خسارت ناشی از آن نیز نمی‌شویم. بی‌برنامگی، بی‌نظمی، نداشتن اولویت‌بندی صحیح و عادت‌های نادرست، همگی از عواملی هستند که زمان را از ما می‌گیرند.

عامل چهارم:

عامل چهارم، عادت‌های ناپسند و نادرست است. عادت‌های غلط می‌توانند بخش زیادی از زمان و سرمایه زندگی انسان را هدر دهند. این مسئله را می‌توان در برخی از رفتارهای رایج در مراسم عروسی، عزاداری‌ها، ازدواج‌ها و مهمانی‌ها مشاهده کرد. مقام معظم رهبری نیز در سخنان خود به برخی از این عادت‌ها و هزینه‌های ناشی از آن‌ها پرداخته‌اند.

بسیاری از هزینه‌هایی که در این مراسم انجام می‌دهیم، ممکن است ریشه در عادت‌های نادرست داشته باشند؛ عادت‌هایی که به‌تدریج در زندگی ما تثبیت شده‌اند و کنارگذاشتن آن‌ها دشوار به نظر می‌رسد. در چنین شرایطی، گاهی به خود می‌گوییم: «نمی‌شود این کار را انجام نداد؛ زشت است! مردم چه می‌گویند؟»

اما باید پرسید: اگر این هزینه سنگین را برای برگزاری یک مراسم انجام ندهیم، چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا بهتر نیست بخشی از این هزینه‌ها را به امور ضروری‌تر اختصاص دهیم؛ برای مثال، به ازدواج فرزندان، تحصیل آنان یا رسیدگی به بیماران و افرادی که به کمک نیاز دارند؟

این مثال‌ها نشان می‌دهند که برخی عادت‌های نادرست، نه‌تنها منابع مالی ما را مصرف می‌کنند، بلکه زمان و فرصت‌های ارزشمند زندگی را نیز از بین می‌برند. هنگامی که انسان بدون بررسی ضرورت یک رفتار، صرفاً به دلیل عادت یا نگرانی از قضاوت دیگران آن را تکرار می‌کند، در واقع اختیار بخشی از زندگی خود را به عادت‌های نادرست سپرده است.

ازاین‌رو، برای مدیریت صحیح زمان باید عادت‌های خود را نیز بررسی کنیم و ببینیم کدام‌یک از آن‌ها به زندگی ما آسیب می‌زنند و مانع بهره‌گیری درست از فرصت‌ها می‌شوند.

تا اینجا به چند مورد از عواملی اشاره کردم که موجب هدررفتن زمان می‌شوند: بی‌برنامگی، بی‌نظمی، نداشتن اولویت‌بندی صحیح و عادت‌های ناپسند. در ادامه، می‌توان به عوامل دیگری نیز پرداخت که هرکدام به‌نحوی فرصت‌های زندگی انسان را از بین می‌برند.

یکی دیگر از عواملی که موجب از دست رفتن زمان می‌شود، عجله و شتاب‌زدگی است. برای مثال، هنگامی که قوانینی با شتاب تصویب می‌شوند، ممکن است چه در عرصه سیاست و چه در حوزه اقتصاد، آسیب‌ها و پیامدهای نامطلوبی به دنبال داشته باشند. شما خودتان می‌توانید این مسئله را بررسی کنید و ببینید که عجله و شتاب‌زدگی تا چه اندازه ممکن است به تصمیم‌گیری‌های نادرست منجر شود.

عجله گاهی مانع از آن می‌شود که انسان بتواند امور زندگی خود را به‌درستی مدیریت کند و از زمان و فرصت‌هایی که در اختیار دارد، بهره ببرد. بنابراین، شتاب‌زدگی نیز یکی از عواملی است که اجازه نمی‌دهد انسان به‌درستی از عمر خود استفاده کند و فرصت‌های زندگی‌اش را به ثمر برساند.

همان‌طور که عرض کردم، بنده در یادداشت‌های خود حدود چهل عامل را شناسایی کرده‌ام که به مدیریت زمان آسیب می‌زنند؛ اما به من تأکید کردند که وقت سخنرانی محدود است. ازاین‌رو، فرصت نمی‌کنم همه آن عوامل را بیان کنم. بااین‌حال، از شما برادران عزیز و خواهران گرامی تقاضا دارم به همین مواردی که عرض کردم توجه کنید و درباره آن‌ها تأمل داشته باشید.

اگر تا اینجا به عرایض بنده توجه فرموده باشید، اجازه می‌خواهم بخش پایانی سخنانم را به محضر شما تقدیم کنم؛ بخشی که به مدیریت زمان در زندگی حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها)، دختر پیامبر خدا، حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) اختصاص دارد.

مدیریت زمان در زندگی حضرت زهرا (سلام الله علیها)

عزیزان من! با مقدماتی که عرض کردم، اکنون به نقطه اصلی بحث رسیده‌ایم. در ابتدای سخنانم این پرسش را مطرح کردم که چرا حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها)، با وجود عمر کوتاه خود، در طول زندگی مشترکشان با امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، توانستند چنین آثار و برکات فراوانی از خود بر جای بگذارند. عمر مبارک ایشان حدود هجده سال بود و سال‌های زندگی مشترکشان با امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیز حدود نه سال به طول انجامید. چگونه چنین عمر کوتاهی توانست منشأ این‌همه آثار و برکات باشد؟

اکنون می‌خواهم چند محور از سیره آن حضرت را بیان کنم تا بتوانیم از زندگی ایشان الگو بگیریم. مگر امام معصوم نفرموده‌اند که حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) برای من الگوی نیکویی هستند؟ مگر به ما سفارش نشده است که به اهل‌بیت (علیهم‌السلام) اقتدا کنیم و همراه آنان باشیم؟

برگزاری جلسات فاطمیه، گریه بر مصائب حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) و برپایی مجالس روضه آن حضرت، همگی بسیار ارزشمندند؛ اما در کنار این امور، باید تلاش کنیم از سیره و سبک زندگی ایشان نیز درس بگیریم و آن را در زندگی خود به کار ببندیم.

برای این بخش از سخنانم نیز مطالب فراوانی آماده کرده‌ام، اما با توجه به اینکه تنها هفت یا هشت دقیقه از وقت من باقی مانده است، اجازه بدهید چند نکته کاربردی را خدمت شما عرض کنم. به‌ویژه جوانان عزیز، به این نکات توجه داشته باشند.

الف) نخستین نکته‌ای که در سیره حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) و در بحث مدیریت زمان خود را نشان می‌دهد، انگیزه و نیت الهی است.

به یاد دارم که خداوند، حضرت آیت‌الله مصباح یزدی را رحمت کند؛ ایشان در مقطعی پرسش زیبایی را مطرح کردند. سؤال ایشان این بود: آیا ممکن است انسان کاری انجام دهد که تمام عمرش عبادت باشد؟

اگر به زندگی یک انسان هفتادساله نگاه کنیم، می‌بینیم که بخش قابل توجهی از عمر او صرف خواب، استفاده از رسانه‌ها، فضای مجازی و تلویزیون، خوردن و دیگر امور روزمره می‌شود. برای مثال، ممکن است بیست سال از عمر او در خواب سپری شود، ده سال به استفاده از رسانه‌ها و فضای مجازی اختصاص یابد و پنج سال نیز صرف خوردن و غذاخوردن شود. با این حساب، آیا می‌توان کاری کرد که تمام عمر انسان، از ابتدا تا انتها، در مسیر عبادت قرار بگیرد؟

پاسخ ایشان مثبت بود. فرمودند که چنین چیزی امکان دارد؛ یعنی انسان می‌تواند خواب، غذاخوردن، راه‌رفتن و کارکردن خود را نیز به عبادت تبدیل کند.

نخستین عاملی که به ما قدرت مدیریت زمان می‌دهد و موجب می‌شود از فرصت‌های خود بهره بیشتری ببریم، انگیزه و نیت صحیح است. نیت الهی می‌تواند ارزش معنوی اعمال روزمره ما را افزایش دهد و زندگی عادی انسان را در مسیر بندگی خداوند قرار دهد.

برای مثال، فرض کنید کسی آرزو دارد در کربلا حضور داشته باشد و در کنار امام حسین (علیه‌السلام) به ایشان یاری برساند. هنگامی که نام سیدالشهدا (علیه‌السلام) و یاران ایشان را می‌شنود، با خود می‌گوید: «یا لَیْتَنِی کُنْتُ مَعَکُمْ»؛ یعنی ای کاش با شما بودم. چنین آرزویی، اگر از نیتی صادقانه و انگیزه‌ای صحیح سرچشمه بگیرد، می‌تواند زمینه برخورداری از ثواب و پاداش الهی را فراهم کند.

در همین زمینه، نقل شده است که شخصی در یکی از جنگ‌ها به امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) عرض کرد: ای کاش برادرم نیز در اینجا حضور داشت تا از ثواب این نبرد بهره‌مند می‌شد. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در پاسخ، به این مضمون فرمودند که اگر برادر او و کسانی از نسل او که در آینده خواهند آمد، چنین نیتی داشته باشند که اگر در آن موقعیت حضور داشتند، امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را یاری می‌کردند، در ثواب آن عمل شریک خواهند بود.

این نمونه نشان می‌دهد که نیت صحیح تا چه اندازه اهمیت دارد و چگونه می‌تواند در ارزش معنوی اعمال انسان مؤثر باشد.

نمونه دیگر، زمانی است که انسان قصد خوابیدن دارد. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) توصیه‌هایی درباره اعمال پیش از خواب آموختند؛ از جمله خواندن سه مرتبه سوره توحید، طلب آمرزش برای مردان و زنان مؤمن، گفتن تسبیحات اربعه و فرستادن صلوات بر پیامبر و انبیا.

در نقل این توصیه‌ها آمده است که انسان پیش از خواب، سوره توحید را سه مرتبه بخواند، بگوید «اللّهُمّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» و تسبیحات اربعه، یعنی «سُبْحَانَ اللّهِ، وَالْحَمْدُ لِلّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلّا اللّهُ، وَاللّهُ أَکْبَرُ» را بر زبان جاری کند و بر پیامبر و انبیا درود بفرستد.

با انجام چنین اعمالی، انسان می‌تواند حتی زمان پیش از خواب را نیز به فرصتی برای عبادت و تقرب به خداوند تبدیل کند. این نمونه نشان می‌دهد که چگونه مدیریت زمان، با نیت صحیح و بهره‌گیری از فرصت‌های کوچک زندگی، امکان‌پذیر می‌شود.

همچنین، حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) در ماجرای اطعام، سه شب پیاپی نان خود را به یتیم، مسکین و اسیر بخشیدند. انگیزه ایشان در این کار، رضایت خداوند بود؛ چنان‌که قرآن کریم درباره این عمل می‌فرماید: «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ».

یعنی ما شما را تنها برای رضای خداوند اطعام می‌کنیم.

این نیت الهی، ارزش عمل ایشان را نشان می‌دهد. در همین زمینه، به سوره انسان، که با نام سوره دهر نیز شناخته می‌شود، اشاره شده است؛ سوره‌ای که در شأن این ایثار و اخلاص، مطالب مهمی را بیان می‌کند.

بنابراین، نخستین راه مدیریت زمان این است که انسان انگیزه و نیت خود را اصلاح کند. برای مثال، فردی که صبح با نیت خدمت به مردم وارد مجلس، دولت، دستگاه قضایی، اداره یا مدرسه می‌شود و هدفش خدمت به جامعه است، می‌تواند فعالیت روزانه خود را در مسیر عبادت قرار دهد؛ به شرط آنکه کارش با معیارهای دینی و اخلاقی سازگار باشد و آن را برای رضای خداوند انجام دهد.

در چنین شرایطی، انسان زمان را به خدمت گرفته است؛ زیرا از فعالیت‌هایی که در هر صورت باید انجام دهد، بهره معنوی نیز می‌برد.

برای نمونه، امام باقر (علیه‌السلام) را در حالی که بیل در دست داشتند و در زمین کار می‌کردند، مشاهده کردند. شخصی به ایشان عرض کرد که شایسته است شما در مسجد باشید و به عبادت بپردازید، نه اینکه در بیابان کار کنید. امام (علیه‌السلام) در پاسخ، به این مضمون فرمودند که اگر در همین حال، با بیل در دست و در حال کارکردن از دنیا بروم، در حال عبادت از دنیا رفته‌ام.

این نمونه نشان می‌دهد که عبادت تنها به نماز و دعا محدود نیست؛ بلکه کار و تلاش نیز می‌تواند با نیت الهی، در مسیر عبادت قرار بگیرد.

ما عبادت‌های فراوانی داریم که انجام آن‌ها هزینه مالی خاصی نمی‌خواهد و با نیت صحیح می‌توانیم از ثواب آن‌ها بهره‌مند شویم. خوش‌اخلاقی با مردم، گره‌گشایی از کار دیگران، حسن‌ظن به خداوند، رعایت عفت و کنترل خواهش‌های نفسانی و تفکر، همگی می‌توانند در مسیر بندگی خداوند قرار بگیرند.

این، نخستین نکته در مدیریت زمان است: اصلاح انگیزه و نیت. یکی از دلایلی که حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) توانستند از عمر کوتاه خود چنین بهره فراوانی ببرند، برخورداری از انگیزه الهی و نیت خالصانه بود.

ب) دومین نکته در سیره حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها)، اولویت‌بندی صحیح است.

به زندگی آن حضرت توجه کنید. ایشان ازدواج کردند، صاحب فرزند شدند و به تربیت فرزندان خود پرداختند. در دوران زندگی مشترک، با وجود محدودیت‌های مالی، مسئولیت‌های متعددی بر عهده داشتند و در عین حال، به امور خانواده و تربیت فرزندان توجه ویژه‌ای می‌کردند.

ممکن است کسی بگوید که شرایط آن زمان با شرایط امروز متفاوت بوده است. بله، بنده نیز می‌دانم که شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن دوران با زمان ما تفاوت‌هایی داشته است؛ اما اصل موضوع، یعنی ضرورت تشخیص اولویت‌ها و توجه به مسئولیت‌های گوناگون زندگی، همچنان اهمیت دارد.

حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) در زندگی خود به امور مختلف توجه داشتند: ازدواج، فرزندآوری، تربیت فرزندان و رسیدگی به همسر. ایشان برای هر یک از این مسئولیت‌ها جایگاهی قائل بودند و هیچ‌یک را به‌سادگی فدای دیگری نمی‌کردند.

محبت فراوان ایشان به پدر بزرگوارشان، پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، موجب نمی‌شد که از مسئولیت همسری خود غافل شوند. همچنین، محبت ایشان به امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) باعث نمی‌شد که از مسئولیت مادری و توجه به فرزندان خود کوتاهی کنند.

حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) در جایگاه دختر پیامبر، به پدر خود محبت می‌ورزیدند؛ در جایگاه همسر، به امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) توجه داشتند و در جایگاه مادر، مسئولیت تربیت فرزندان را بر عهده می‌گرفتند.

این، دومین نکته در سیره صدیقه طاهره (سلام‌الله‌علیها) است: تشخیص صحیح اولویت‌ها و سامان‌دادن مسئولیت‌های مختلف زندگی، به‌گونه‌ای که هیچ‌یک از وظایف مهم، بی‌دلیل قربانی وظیفه‌ای دیگر نشود.

ج) نکته سوم استفاده ترکیبی از زمان و بهره‌گیری هم‌زمان از فرصت‌ها

نکته سوم که ای‌کاش فرصت بیشتری بود تا آن را با تفصیل بیشتری توضیح می‌دادم، استفاده ترکیبی از زمان است. می‌توانیم از فرصت‌های زمانی خود به‌گونه‌ای بهره ببریم که چند کار مفید را به‌صورت هم‌زمان انجام دهیم و از این طریق، زمان را بهتر مدیریت کنیم.

برای روشن‌شدن این موضوع، به داستانی اشاره می‌کنم. نقل شده است که حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) در حالی که به کارهای خانه مشغول بودند و با دست خود آرد تهیه می‌کردند، قرآن نیز تلاوت می‌کردند. یعنی چند کار را در یک بازه زمانی انجام می‌دادند. این هم نوعی مدیریت زمان است.

برای مثال، شما می‌توانید در آشپزخانه با وضو باشید، قرآن بخوانید و در همان حال، ناهار را نیز آماده کنید. به این ترتیب، از یک فرصت زمانی برای انجام چند کار مفید بهره می‌برید و زمان را در خدمت اهداف خود قرار می‌دهید. این نکته بسیار مهمی است و می‌توان از آن با عنوان «استفاده ترکیبی از زمان» یاد کرد.

در این زمینه، زمانی خدمت یکی از مراجع بزرگوار در قم بودم. ایشان به من فرمودند که پدرشان چنان مدیریت زمانی دقیقی داشتند که از پنج دقیقه‌های پیش از ناهار نیز استفاده می‌کردند و در همین فرصت‌های کوتاه، قرآنی را با دست خود می‌نوشتند. ببینید، حتی پنج دقیقه‌های پیش از ناهار نیز می‌تواند فرصتی برای انجام کاری ارزشمند باشد.

المؤمنون عند شروطهم؛ اما آنچه در یک کلام می‌توان گفت، این است که ما متأسفانه گاهی زمان را از دست می‌دهیم؛ در حالی که می‌توانیم با اولویت‌بندی، برنامه‌ریزی و نظم، بهره بیشتری از آن ببریم.

به زندگی حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) نگاه کنید. پس از جریان سقیفه، ایشان احساس کردند که باید از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) دفاع کنند. ازاین‌رو، تمام ظرفیت‌ها و فرصت‌های خود را برای دفاع از امامت به کار گرفتند. از سخنرانی در مسجد و ایراد خطبه گرفته تا سخن‌گفتن در جمع زنان انصار و مهاجر؛ از حضور در خانه‌های مهاجران و انصار و گفت‌وگو با آنان در طول چهل شب، تا تحریم‌ها، وصیت‌نامه سیاسی و وصیت ایشان درباره چگونگی تشییع پیکرشان و اجازه‌ندادن به تشییع رسمی. حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) از همه ظرفیت‌های موجود برای دفاع از امامت و ولایت بهره گرفتند.

ایشان در بیان جایگاه و شأن زن نیز بر این نکته تأکید داشتند که بهترین چیز برای زن آن است که مردی او را نبیند و او نیز مردی را نبیند. این مضمون در کنار دیگر آموزه‌ها و رفتارهای ایشان، نشان‌دهنده توجه به عفاف و حریم‌های اخلاقی است.

اجازه بدهید با توجه به ضیق وقت، بحث را جمع‌بندی کنم. از زندگی حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) می‌توان درس‌های گوناگونی آموخت که یکی از آن‌ها، مدیریت زمان است.

جوانان عزیز! یأس و ناامیدی اجازه نمی‌دهد زمان خود را به‌درستی مدیریت کنید. فرافکنی نیز مانع مدیریت صحیح زمان است؛ اینکه پیوسته این فرد را مقصر بدانیم و آن فرد را مسئول مشکلات خود معرفی کنیم، به‌جای آنکه سهم و مسئولیت خویش را بپذیریم. قرآن کریم می‌فرماید: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»؛ یعنی خود و خانواده خویش را از آتش حفظ کنید. این آیه، توجه ما را به مسئولیت شخصی و خانوادگی جلب می‌کند.

باید توجه داشته باشیم که فرصت‌ها بازنمی‌گردند. ما چقدر می‌توانیم از فرصت‌هایی که امروز در اختیار داریم، بهره ببریم! اکنون، به فضل الهی و با توجه به پیشرفت‌هایی که در عرصه‌های گوناگون رخ داده است، ازجمله گسترش فضای مجازی و ظهور هوش مصنوعی، فرصت‌های فراوانی در اختیار ما قرار گرفته است. البته این پیشرفت‌ها تهدیدهایی نیز دارند، اما فرصت‌های بسیاری هم برای استفاده درست و سازنده از آن‌ها وجود دارد.

اگر بتوانیم بر فرصت‌ها مسلط شویم، از آن‌ها به‌درستی بهره بگیریم و زمان را در خدمت اهداف ارزشمند خود قرار دهیم، به معنای واقعی کلمه، زمان را مدیریت کرده‌ایم. حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) نیز با چنین رویکردی توانستند از عمر کوتاه خویش، برکات و آثار فراوانی بر جای بگذارند.

اگر به حوزه علم و دانش ایشان وارد شوید، با موضوع مصحف فاطمه (سلام‌الله‌علیها) روبه‌رو می‌شوید. اگر به حوزه تربیت فرزند توجه کنید، می‌بینید که ایشان چهار فرزند بزرگوار تربیت کردند. اگر به حوزه همسرداری بنگرید، رفتار زیبا و شایسته ایشان با امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را مشاهده می‌کنید. اگر به حوزه مسائل سیاسی وارد شوید، می‌بینید که چگونه با ایراد خطبه و حضور در جامعه، از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) دفاع کردند. در حوزه دعا، دعاهای روزانه ایشان مطرح است و در حوزه عبادت نیز می‌بینیم که آن‌قدر به نماز می‌ایستادند که پاهای مبارکشان ورم می‌کرد.

حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) هیچ‌یک از این عرصه‌های مهم زندگی را بی‌دلیل فدای عرصه‌ای دیگر نکردند. من این ویژگی را «جامعیت» می‌نامم و آن را جلوه‌ای از مدیریت صحیح زندگی می‌دانم. عبادت ایشان، فعالیت‌های سیاسی‌شان را از میان نبرد؛ فعالیت‌های سیاسی، به مسئولیت‌های خانوادگی و خانه‌داری ایشان لطمه نزد و مسئولیت‌های خانوادگی نیز مانع فعالیت‌های علمی، آموزشی و تربیتی ایشان نشد. ایشان توانستند میان ابعاد گوناگون زندگی، تعادلی شایسته برقرار کنند.

دختر بزرگوار ایشان، حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها)، نیز از همین ویژگی برخوردار بودند. به زندگی حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) نگاه کنید؛ شب یازدهم محرم، در حالی که فردای آن روز باید به اسارت می‌رفتند و در آن بیابان و در آن شرایط دشوار قرار داشتند، نماز شب ایشان ترک نشد. این رفتار چه پیامی برای ما دارد؟ به ما می‌آموزد که انسان نباید اجازه دهد عبادتش به‌طور کامل تحت‌الشعاع حوادث و دشواری‌های زندگی قرار گیرد. حتی در سخت‌ترین شرایط نیز باید ارتباط خود را با خداوند حفظ کند.

از خداوند متعال مسئلت می‌کنم که به همه ما توفیق دهد از سیره حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) درس بگیریم و بتوانیم نعمت‌های الهی، به‌ویژه نعمت زمان و فرصت عمر را به‌درستی مدیریت کنیم.

بحثی که امشب خدمت شما عرض کردم، ظرفیت آن را دارد که در ده جلسه به‌تفصیل بررسی شود؛ اما به دلیل محدودیت وقت، تنها به‌اختصار به نکات اصلی آن اشاره کردم.

خدایا! توفیق بهره‌گیری شایسته از نعمت‌هایت، به‌ویژه نعمت زمان، را به همه ما عنایت بفرما.

خدایا! ما را در برابر خون شهدا، خدمات و تلاش‌هایی که در این کشور صورت گرفته است و زحمات امام راحل (رحمت‌الله‌علیه)، شرمنده و مدیون قرار مده.

روضه

السلام علیکِ یا فاطمة الزهراء، یا بنتَ رسول‌الله، یا قُرَّةَ عینِ النبی المصطفی!

مرحوم شیخ طوسی جریانی را نقل می‌کند که می‌خواهم به آن اشاره کنم و روضه‌ام را با آن به پایان برسانم؛ ان‌شاءالله ادامه این مصیبت در مجالس دیگر بیان خواهد شد.

ایشان نقل می‌کند که در یکی دو روز پایانی عمر حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها)، عباس، عموی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، برای عیادت آن حضرت به خانه آمد. اجازه خواست تا حضرت زهرا را ملاقات کند. عباس، عموی پیامبر و از محارم حضرت زهرا بود؛ اما کسی از خانه بیرون آمد و به او گفت: «حال فاطمه بسیار سنگین است و دیگر نمی‌تواند کسی را به حضور بپذیرد.» به او اجازه ملاقات ندادند و عباس بازگشت.

مرحوم شیخ طوسی می‌نویسد که عباس شخصی را فرستاد و گفت: «برو به علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) بگو عباس به شما سلام می‌رساند. آن‌طور که از اوضاع پیداست، فاطمه یکی دو روز بیشتر زنده نخواهد ماند و او نخستین کسی است که به پدرش ملحق می‌شود. من تقاضایی از شما دارم؛ اگر فاطمه از دنیا رفت، ما را باخبر کنید تا مهاجران و انصار را جمع کنیم و تشییع جنازه باشکوهی در مدینه برگزار شود.»

در ادامه، تعبیری به این مضمون نقل شده است که این کار، جلوه‌ای از جمال دین و عظمت آن است؛ اینکه دختر پیامبر را هزاران نفر از مردم تشییع کنند.

آن فرستاده می‌گوید: «من به محضر امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) آمدم و موضوع را مطرح کردم. حضرت فرمودند: برو و سلام مرا به عمویم برسان و به او بگو فاطمه وصیت کرده است که شبانه دفن شود.»

سپس این جمله جان‌سوز را فرمودند:

«عمو جان! تو دیر آمدی؛ فاطمه بسیار مظلوم بود. فاطمه پیوسته مظلوم بود؛ حقش را از او بازداشتند و ارثش را به او ندادند.»

عرض کنم: یا فاطمة الزهراء!

شاید امشب، شب آخر عمر صدیقه طاهره (سلام‌الله‌علیها) بوده باشد. بنا بر نقلی، آن حضرت نودوپنج روز پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، در چنین شبی و پس از نماز مغرب، به شهادت رسیدند.

امشب و فردا، آخرین گفت‌وگوهای امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) با حضرت زهرا بود. امیرالمؤمنین کنار بستر همسرشان نشستند. دلم برای غربت علی بسوزد! پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به امیرالمؤمنین فرموده بودند: «علی جان! تو دو رکن داری که هر دو را از دست خواهی داد.»

وقتی پیامبر از دنیا رفتند، امیرالمؤمنین فرمودند: «این، رکن نخست بود.» و هنگامی که در چنین شبی حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) را از دست دادند، فرمودند: «این هم رکن دوم بود.»

مرگ پیامبر کمرم را شکست؛ فاطمه جان، داغ تو رکن دیگرم را شکست!

امشب و فردا، امیرالمؤمنین سر مبارک حضرت زهرا را به سینه گرفتند و شروع به گریه کردند. هر دو گریستند. امیرالمؤمنین فرمودند: «فاطمه جان! من گریه می‌کنم، چون تو را از دست می‌دهم؛ تو چرا گریه می‌کنی؟»

حضرت زهرا عرضه داشتند:

«أَبْكِي لِمَا تَلْقَى مِنْ بَعْدِي.»

«برای آنچه پس از من بر تو خواهد گذشت، گریه می‌کنم.»

فاطمه جان! برای غربت علی اشک می‌ریزی؛ برای تنهایی علی گریه می‌کنی!

نمی‌دانم آن لحظه‌ای که خبر شهادت حضرت زهرا را به امیرالمؤمنین دادند، بر آن حضرت چه گذشت. در نقل این مصیبت آمده است که امیرالمؤمنین با صورت بر زمین افتادند. وقتی چشمان مبارکشان را گشودند، پیوسته می‌فرمودند: «فاطمه جان! دیگر با چه کسی سخن بگویم؟»

«مَنْ لِي بَعْدَكِ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللّهِ؟»

پس از تو، ای دختر رسول خدا، چه کسی را دارم؟

نمی‌دانم امیرالمؤمنین چگونه خود را به خانه رساندند و کنار پیکر حضرت زهرا نشستند. با دلی شکسته و چشمانی اشک‌بار، خطاب به همسرشان عرضه داشتند:

فاطمه جان! من علی‌ام؛ برخیز و از داغ و غم رهایم کن. برخیز و یک بار دیگر مرا پسرعمو صدا بزن!

فاطمه جان! برخیز و یک بار دیگر صدایم کن!

حالا هر کجا نشسته‌اید، سه مرتبه بگویید: یا زهرا!

خدایا! به ظهور آقایمان تعجیل بفرما.

خدایا! باران رحمتت را بر این مردم نازل بفرما.

خدایا! رهبر عظیم‌الشأن ما را در پناه خود محفوظ بدار.

خدایا! شر دشمنان و تهدیدکنندگان این کشور را به خودشان بازگردان و جنگ و درگیری را در میان خودشان قرار بده.

خدایا! مظلومان غزه را یاری بفرما.

خدایا! روح شهدا، اموات، گذشتگان، امام عزیز و والدین مقام معظم رهبری را از برکات این جلسه بهره‌مند بگردان.

خدایا! مشکلات اقتصادی و فرهنگی این کشور را برطرف بفرما و امنیت این کشور را حفظ کن.

خدایا! شر منافقان را به خودشان بازگردان.

خدایا! هر کسی را که به این نظام خدمت می‌کند، یاری بفرما و هر کسی را که به آن لطمه می‌زند، از آسیب‌رساندن بازدار و نقشه‌هایش را نقش بر آب کن.

خدایا! به حرمت مقربان درگاهت، جوانان ما را حفظ بفرما و آنان را اهل دین، نماز و بندگی قرار بده.

خدایا! بر بیماران و جانبازان لباس عافیت بپوشان.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته.